

بنیاد فرهنگی کهزاد

کشف متون قدیمه سانسکریت
در
بامیان

احمد علی کهزاد

کشف متون قدیمه سانسکریت در بامیان

در اثر حفریات و تحقیقات باستان شناسی که از 1922 باین طرف توسط علمای هیئت اعزامی حفریات فرانسوی در افغانستان بعمل آمده است، بار اول در سال 1930 نوشته هائی از یک معبد قدیمه بامیان، از حصص شرقی مجسمه 35 متری بودا کشف شد. تا سال 1930 حفریاتی هنوز در بامیان نشده بود و تجسس بقایای معابد قدیمه بامیان مانند معبدی که هیوان تسنگ زایر چینی بیک «پادشاه قدیمه» نسبت میدهد، مدققین فرانسوی را مترصد موقع مساعد ساخته بود تا اینکه در 1930 در حصص شرقی هیکل 35 متری شواهد و علایمی بدست آمد و حفریات و تحقیقات عملی را ضرور ساخت. بعد از اجرای عملیات صعب و طولانی یکی از معابد قدیمه بامیان که شاید تراش آن در دل کوه به قرن سوم مسیحی نسبت میشود، با قسمتی از تصاویر رنگه و آثار هیکل تراشی آن کشف شد چنانکه این موضوع بصورت مستقل تحت عنوان «قدیم ترین معبد بامیان» در شماره (18) آریانا نشر شد.

در آن مقاله نگاشته بودم که این معبد در نگارشات هیئت باستان شناسی فرانسوی بنام معبد (G) یاد شده و یکی از قدیمترین معابد بامیان است. خوشبختانه این کشف معلومات مفیدی راجع به طرز تعمیر و اصول نقاشی و هیکل تراشی قرن های دوم و سوم مسیحی بامیان میدهد و آنرا روشنتر ساخته است. این هم خاطر نشان شده بود که در وسط معبد استوپه کوچک مربع وجود داشت و در میان ضلع شرقی استوپه و جدار معبد نوشته هائی روی پوست نازک درخت کشف شد. این نوشته ها روی زمین معبد افتاده و بار اول پارچه های بسیار کوچک و خورد آن بنظر خورده و با ادوات بسیار کوچک از قبیل سنی ساعت سازی و غیره به جمع آوری آن مشغول شدیم. بدبختانه در محلی که نوشته ها وقوع داشت آب باران قرن های متوالی نفوذ کرده و ورقه های نوشته را طوری بهم و با گل چسپانیده بود که همه یک پارچه متراکم تشکیل داده بود. خود تصویر میتوانید که بعد از سال ها انتظار این کشف چقدر مهم و این منظره به کدام اندازه وجد و تاثیر تولید کرده بود.

از طرف دیگر مرور قرن های طولانی این اوراق را نهایت خشک و زود شکن ساخته و به اندک تماس از هم میپاشیدند. متخصص فنی حفریات موسیو «بیاکه» که مامور اجرای عملیات بود و موسیو هاکن خودش خاک دراز کشیده و با حوصله طاقت فرسا بکمک سنی و موی چینک پارچه های کوچک را برداشته و در قطی ها جمع می نمودند. یک قسمت این نوشته ها طوری با گل چسپیده بود که برداشتن آنها امکان نداشت جز اینکه دورادور آنرا خالی کرده و یک پارچه بزرگ گل را از زمین بردارند و بعد ها در اطاق عملیات روی آن کار کنند. به این ترتیب در اثر بخار آب و عملیات دقیق دیگر پارچه های مختلف کم و بیش بزرگ بدست آمد که کلان ترین آن به طول 25 و عرض 10 سانتی متر میباشد.

برای اینکه این قطعات بدست گرفته شده و مطالعه شود هر کدام را میان دو قطعه شیشه گذاشتند و به این اصول موفق شدیم که چند پارچه این نوشته های قیمت دار قابل مطالعه شود. موسیو هاکن در این نوشته ها همین قدر تشخیص داده توانست که روی همرفته به رسم الخط «برهمی» و «خروشتی» تحریر شده، نمونه های خط برهمی بیشتر و آثار خروشتی کمتر است.

در این وقت تنها دانشمندی که در فرانسه و حتی در تمام اروپا قادر به قرائت این گونه کتیبه ها بود، موسیو «سیلون لوی» نام داشت که در کنگره مستشرقین در روم سمت ریاست داشت. موسیو هاکن به اجازه وزارت معارف افغانستان چند پارچه این نوشته ها را بصورت امانت به پاریس فرستاد تا سیلون لوی آنها را مطالعه کند و امروز نوشته های مذکور در اطاق بامیان در موزه کابل موجود است.

موسیو سیلون لوی نوشته های بامیان و کتیبه هائی را که هیئت «کاروان زرد» از گلگت کشمیر خریداری نموده بود همه را تحت عنوان «نوشته های سانسکریت بامیان و گلگت» در شماره «جنوری-مارچ» سال 1932 مجله «جورنال آزیاتیک» مطالعه کرده و نشر نمود. چون داخل جزئیات زبان و رسم الخط شده و از آثار ادبی و مذهبی مختلف بودیزم و نمونه های مختلف اصل سانسکریت و ترجمه های چینی و شعب طریقه های بودائی و غیره صحبت میکند، فهم و ترجمه آن مشکل و برای قارئین محیط ما جزء معما بحساب خواهد رفت. از طرف دیگر چون نوشته های مذکور از نقطه نظر رسم الخط و ادب مذهبی وقت و اسمای بعضی کتب قدیمه بودائی و شعبی که بودائیان بامیان از آن پیروی میکردند کمال اهمیت دارد، پاره معلوماتی از مطالعات او استخراج نموده و به مطالعه قارئین گرام میرسانیم.

روی همرفته موسیو سیلون لوی نوشته های سانسکریت بامیان را از روی اقسام رسم الخط به چند دسته تقسیم میکند:

- 1- نوشته های «کوشانا» مربوط به قرن 3 و 4.
- 2- نوشته های «گوپتا»، آنها از دوره اخیر آن مربوط به قرن 7 و 8.
- 3- انواع رسم الخط های آسیای مرکزی از قبیل نمونه های ختن و کوتچه.

به این ترتیب انواع مختلف رسم الخط سانسکریت که در اقطار امپراطوری وسیع کوشان رواج داشت در ین معبد بامیان دیده شد. این نمونه ها نشان میدهد که کتاب هائی به سانسکریت و به اقسام رسم الخط در اینجا جمع آوری شده بود. چون قدیمترین رسم الخط ها مربوط به قرن سوم میباشد و جدیدترین آنها به قرن هشتم مسیحی ارتباط دارد، در عرصه پنجمد سال کتب در اینجا جمع و یا نوشته شده است. به عقیده موسیو سیلون لوی در کتاب خانه ئی که در ین معبد دایر شده بود یا کتب نقاط مختلف را جمع آوری نموده بودند و یا کاتب های نقاط متعدد در خود دره بامیان به نقل و نوشته آنها پرداخته اند. چون بعد از قرن 8 هیچ نوشته ئی پیدا نشده و بواسطه نزدیک شدن مسلمانان وضعیت بت پرستان مشرف بر خطر گردیده بود، معلوم میشود که راهبین بودائی تا آخرین مرحله

مساعده که هنوز وضعیت امنیت دره برهم نخورده بود مصروف تحریر و نقل کتب بودائی بودند.

از روی تحقیقات مدقق مذکور چنین معلوم میشود که عدۀ زیاد قطعاً کوچک این نوشته ها مربوط به فصول رساله های «ابهی دهرمه» است که پیروان طریقه «بزرگ نجات» بودائی آنرا بیشتر میخواندند ولی چون عامل مشخص مثبتی در آن دیده نشده است و موضوع و سبک یکنواخت است تشخیص دقیق رساله خوب نمیشود معذالک چون کلمه «بودیس اتوا» در آن زیاد استعمال شده واضح به طریقه «راه بزرگ نجات بودائی» ارتباط دارد و پارچه هائی مربوط به همین رسایل از گلگت (کشمیر) هم پیدا شده است.

به نظر موسیو سیلون لوی اهمیت نوشته های مکشوفه بامیان درین است که در میان آنها بعضی پارچه های اصلی کتاب «وینایا Vinaya»، یکی از آثار مذهبی پیروان «طریقه کوچک نجات» دیده شده است. وجود پارچه های این کتاب به وجود پیروان طریقه اخیرالذکر در بامیان اشاره میکند و مربوط به این موضوع «هیوان تسنگ» زایر چین حین عبور خود از بامیان شرحی نگاشته که رؤس مطالب آن قرار آتی است: «بامیان دارای ده معبد است، در حدود هزار راهب معتقد راه کوچک نجات پیرو مدرسه «لو کوتا روان» در اینجا میباشد... در خود شهر چندین نفر راهبین پیرو مدرسه «مهاسامگیکا» موجود است که در شناسائی قوانین مذهبی خیلی تبحر دارند».

در صورتیکه زایر چین علمای متبحر مدرسه «مهاسامگیکا» را در شهر بامیان دیده جای حیرت نیست که آثار کتاب «وینایا» که یکی از کتب عمده این مدرسه است از بامیان کشف شود. به عقیده سیلون لوی پیروان این طریقه اخیر در زمان عبور زایر چین (630 م.) در بامیان و در بعضی علاقه های مجاور شرقی مثل «ایودیانا» (سوات) و کشمیر باقی بود. بعبارت دیگر در حصص شرقی دامنه های جنوب هندوکش پیروان مدرسه «مهاسامگیکا» متعلق به راه کوچک نجات زندگانی داشتند.

پارچه های کتاب «وینایا» به رسم الخط «گوپتا» است و این اثر را تا این زمان جز بصورت ترجمه چینی نمیشناختند. یعنی اصل سانسکریت آن در بین نبود و همان ترجمه چینی که از طرف «بودها بهادرا» و «فاهین» چینی بعمل آمده است، تنها نقل این اثر بشمار میرفت. به این لحاظ پارچه های مکشوفه بامیان دارای اهمیت بزرگ است و وجود یکی از مآخذ سانسکریت را که در عالم ادب و مذهب اهمیت بسزا دارد، معرفی میکند.

قراریکه از روی تراجم چینی و پالی این اثر معلوم میشود، «وینایا» شامل حکایات و قصص اخلاقی و مناظره میان راهبین و غیر روحانی هم بوده و یکی از ورقه های بامیان جنگ و آشتی روحانیون و غیر روحانیون را وانمود میکند. البته این ورقه پاره بامیان جز حصه ئی از اوراق این کتاب نیست ولی از روی تراجم چینی «وینایا» که ذکر کردیم اصل قضیه مخالفت های روحانیون و غیر روحانیون بودائی معلوم است. درین خاطره ها شخصی که از طرف غیر روحانی دفاع میکند بنام های مختلف «سودهاما»، «اوتار» یاد شده ولی مدافع اساسی که پهلوان مدافع شناخته شده «سیترا» نام داشت.

در ترجمه چینی کتاب «وینایا» که از طرف «بودها بهادرا» و «فاهین» چینی بعمل آمده است، قص چینی آغاز میشود که «سیترا» به مجمع راهبین دعوت نامه ئی برای صرف نان شب میفرستد. در بین میان 6 نفر گدا میرسند و میخواهند بزم دعوت را برهم زنند و غذا به صرف رسانند. «سیترا» متحیر و متغیر شده حکایت اخلاقی به این ترتیب برای شان نقل میکند:

میگویند که در زمانه های باستان یک خیل خروس در جنگلی جا گرفته بود. ناگهان روباه ئی پیدا شد و علی الغفله تمام خروس ها را خورد و فقط ماکیان باقی ماند. چندی بعد زاغی پیدا شده و بر ماکیان بالا شد. ماکیان تخم داد و چوچه کشید و چوچه به بانگ دادن آمد و پدرش چنین گفت:

این چوچه از جنس ما نیست. پدرش از جنگل و مادرش از دهکده است، از هر دو چوچه ئی بمیان آمده که نه خروس است و نه زاغ. اگر از آواز پدر تقلید کند مادرش ماکیان است و اگر آواز مادر را پیروی کند پدرش زاغ است. اگر بخواهد خود را زاغ بسازد مانند خروس بانگ میدهد و اگر خواسته باشد که بتقلید خروس آواز کشد آواز زاغ از حنجره اش بیرون میآید. خلاصه نه زاغ شده میتواند و نه خروس.

شما محترمین هم مانند او هستید نه غیر روحانی هستید و نه روحانی. گدایان گفتند: صاحب خانه قهر شدی؟ «سیترا» گفت: بلی. گدایان گفتند در صورتیکه قهر شده باشی از گناه خود عفو میخواهیم. شش نفر گدا پیش بودا رفتند و از گناه خود عفو خواستند. بودا به ایشان گفت از چه عفو میخواهید و از چه نادم شده اید؟ گدایان ماجرا را سراپا نقل کردند. بودا به ایشان گفت: ای بیعقل ها در خانه «سیترا» هیچ چیزی را از بودا و مجمع گدایان مضایقه نمیکنند. چرا بی جهت این اختلافات را بمیان می آرید.

به این ترتیب بودا گدایان و مجمع راهبین را آشتی میدهد و روحانی و غیر روحانی خوش میشوند.

خلاصه از روی تحقیقات موسیو سیلون لوی واضح معلوم میشود که نوشته های مکشوفه از بامیان در عالم ادب سانسکریت و آثار و کتب بودائی اهمیت فوق العاده دارد. پارچه ئی که بخط و رسم الخط «کوشانا» است و به قرن 3 و 4 م. ارتباط دارد بار اول شواهد کتاب «وینایا»، یکی از بزرگترین و جامع ترین آثار بودائی را در متن اصلی آن وانمود میکند. آثار و اوراقی از متن سانسکریت این کتاب که مفقود تصور میشد و هنوز هم نسخه کامل آن بدست نیست در سه سال بعد در 1933 از یکی از استوپه های «گلگت» هم کشف شده است. قراریکه از روی ترجمه آن معلوم میشود «وینایا» کتاب بسیار مفصل و بزرگ و دارای جلد های ضخیم و متعدد بود. ترجمه «تبتی» آن سیزده جلد و هر جلد بطور متوسط شامل 400 - 500 ورق میباشد. ترجمه چینی آن در چاپ «تری پی تکه» یعنی «سه سبد گل» که در توکیو به طبع رسیده شامل هشت جلد است.

همین قسم نوشته های دیگر که بحروف «گوپتا» است، هم کمال اهمیت دارد که ترجمه چینی آن را بنام «سمجی تی پارایه» می شناسند و در کتابخانه معبد بامیان نسخه متن سانسکریت آن موجود بود. از این نوشته ها پارچه های دیگری هم در اطاق بامیان موزه

کابل موجود است که به مطالعه موسیو سیلون لوی نرسیده و تحقیق میخواهد و انتظار داریم که در زمینه ادب مذهبی کشور ما پیش از اسلام روشنی بیشتری اندازد.

زبان سانسکریت که بزرگترین شاخه السنه خانواده آریائی باختری است در تمام افغانستان مخصوصاً در دامنه های جنوب شرق هندوکش با تفریق رسم الخط و امتزاج بعضی پراکریت ها رواج داشت. اگر چه زبان اوستائی در حدود هزار ق.م. جای آنرا در شمال مملکت اشغال کرد معذالک با انتشار بودیزم و آثار و فلسفه آن این زبان از جنوب هندوکش اقلأ از میان علما و روحانیون از بین نرفت و شاهد این قول کتبی است که متن سانسکریت آن بار اول از دامنه های جنوب شرقی هندوکش از بامیان و گلگت پیدا شده است. /مجله آریانا، شماره هفتم، سال 1323، کابل/

یاد آوری:

در یکی دو سال گذشته یک تعداد از هموطنان ما پروپاگند و تبلیغاتی را براه انداختند که گویا مجسمه های بزرگ در بامیان از بودا نمیباشند. گرچه آن افواهات در زمان آن رد گردید ولی اینک اسناد بیشتری نشان میدهد که مجسمه ها و معابد بودائی بودند و هستند چنانکه حتی متون و اوراق مذهبی بودائی که بصورت واضح و روشن از بودا و بودیس اتوا نام میبرد در سال 1930 از همین معابد بامیان کشف شده اند. داکتر فریار کهزاد. /نشر مجدد سپتامبر 2011--- بنیاد فرهنگی کهزاد/